

## شعر انقلاب اسلامی

تاریخ زبان و ادبیات فارسی بعد از اسلام از قرن چهارم هجری شروع می‌شود و رودکی که به سال ۳۲۹ هجری وفات یافت پدر شعر فارسی به شمار می‌آید. شعر فارسی با مرور زمان یک دوره تحول و تکامل را بتدریج طی کرد. ما این جا از کلیه تاریخ شعر فارسی صرف نظر کرده توجه خودمان را فقط به شعر عصر انقلاب اسلامی مرکوز خواهیم کرد.

تاریخ شعر انقلاب از تاریخ انقلاب جمهوری اسلامی ایران آغاز می‌گردد. شعر تنها خیال نیست که باقی بماند بلکه «شعر عبارتست از کلامی درلختی که هموزن باشد و هم مقفی». در جای دیگر دکتر مهدی حمیدی درباره شعر این طور اظهار نظر می‌کند: «شعر عبارت از عطشی است که آدمی به تصویر جلوه‌های رنگارنگ طبیعت و نقاشی تأثرات گوناگون طبائع دارد، و شاعری صنعتی است که از کلمات نقش پذیر دلپسند و ترکیبات اندیشه‌های دلنشین و از نظر قوافی و ردیفهای متناسب و باشکوه برای آن تصویر و این نقاشی، صورت و سیرت می‌آفریند»<sup>۱</sup>.

شعر در هر زمان و در هر محیط پیام عشق و محبت و دوستی با هر مخلوق کاینات چه انسان و حیوان چه نباتات و شجرات و حجرات

<sup>۱</sup> - فنون شعر و کالبدهای پولادین آن، از دکتر مهدی حمیدی، انتشارات گلشانی،

می‌دهد و نیز مردم را بر علیه ظلم و استبداد تحریک می‌کند. چون شعر به مقابله نثر زودتر اثر می‌کند نیز خواننده و شنونده خود را در جوش و استنباط می‌آورد، لذا باید گفت که یک شاعر بزرگ در زمان و محیط خود کار رسالتی را انجام می‌دهد. هرچه او حس می‌کند، با وسیله قلم و خودنویس اندیشه‌ها و فکرهای خود بر قلوب مردم ترسیم می‌کند و به مصداق «این هر چه از دل می‌خیزد بر دل می‌ریزد»، مردم تاثرات یک شاعر بزرگ را قبول می‌کنند و در جنب و جوش آمده بر صدای او لئیک می‌گویند. باید اضافه کرد که شاعر یک جانب کار رسالت را انجام می‌دهد و به طرف دیگر در اشعار تاریخ زمان خود را ثبت می‌نماید، و مانند یک عاشق صادق که شعر در سرور و وطن دوستی و در محبت اهلیان خود سروده است، نام خود را بر صفحه روزگار می‌نگارد، و به قول حافظ شیرازی:

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق      ثبت است بر جریده عالم دوام ما  
 عیناً شعر انقلاب اسلامی ایران یک تحریک بزرگ است که ایرانیان بر  
 علیه ظلم و استبداد رژیم پهلوی برپا کردند. در دوران انقلاب بسیاری از  
 شاعرانی بودند که به بیداری مردم کار می‌کردند و برای انقلاب جهت را  
 تهیه می‌کردند و این امر باعث شد که مردم بر علیه رژیم پهلوی برخاستند  
 و در هر کوچه و بازار، ایرانیها چه شیخ و شاب چه خرد و بزرگ، چه  
 بچه و جوان از خانه‌ها بیرون آمدند و نتیجه در سرزمین ایران، انقلاب  
 اسلامی این طور آمد که مردم در دنیا فکر نمی‌کردند.

شعر انقلاب اسلامی نشانگر تاریخ عصر انقلاب اسلامی ایرانی است. در این مورد دکتر محمد جعفر یاحقی اظهار نظر می‌کند: "شعر عصر انقلاب همگام با شکل‌گیری انقلاب در سالهای پایانی حکومت رژیم پیش پا گرفت و مسیر خود را مشخص کرد. در راه پیمایی‌ها و تظاهرات روزهای انقلاب بسیاری از شاعران با الهام از دست آوردهای نهضت شعر گفتند و ارزشهای نوین حرکت مردمی را که عمده جنبه‌های حماسی، عرفانی و دینی داشت در شعر خود منعکس می‌کردند. پس از پیروزی انقلاب کمیت این آثار رو به فزونی گذشت و رشادتها و از خود گذشتگی‌های نسل انقلاب را در خود بازتاب داد. چیزی از پیروزی انقلاب نمی‌گذشت که تجاوز آشکارا رژیم عراق به مرزهای ایران جنگ تمام عیار میان دو کشور همسایه را سبب شد. جنگ با دگرگونی ارزشها و به میدان کشاندن نیروهای ملی و مردمی تحریک عواطف میهنی و دینی قاطبه مردم قلمرو تازه‌ای به روی شعر و ادب فارسی گشوده و راه ورود موضوعات و مضامین و حتی واژگانی جدید را به روی زبان و ادبیات ایران بازکرد".<sup>۱</sup>

شعر انقلاب اسلامی نه فقط تاریخ جنگ انقلاب پیروزی و مبارزه جمهوری اسلامی را بیان می‌کند بلکه انعکاس جنگ هشت ساله با عراق و عوانب آن است، "در این میان مقاومت مردم و بویژه سرسختی و ستیزی که رهبر انقلاب در برابر گردنکشان و قدرتمندان و از آن حمله رژیم

<sup>۱</sup> - چون سبوی تشنه، دکتر محمد جعفر یاحقی، استاد دانشگاه فردوسی، امور فنی و

عراق از خود نشان داد هر حادثه‌ای که در خلال جنگ پیش می‌آمد، و هر قدر که شمار کشتگان و شهیدان فزونی می‌گرفت، و هر چه بیشتر جنگ به داخل شهرها کشانیده می‌شد به رغم مشکلات جدی ناشی از آن، از خود گذشتگی و استقامت مردم بویژه جوانان بیشتر اوج می‌گرفت. بمبارانها و فجایعی که برای مردم عادی و بدون سلاح و دفاع شهرها به دنبال داشت<sup>۱</sup>.

فرهنگ و ادبیات این زمان را ایرانیان با عنوان «فرهنگ جنگ» یاد می‌کنند. شاعران این دوره از حادثات خوفناک و هولناک و از واقعات ناشی مثل «واقعه جمعه خونین مگه» در سال ۱۳۶۶ ه.ش، و درگذشت غم‌انگیز رهبر انقلاب (خرداد ۱۳۶۸ ه.ش)<sup>۲</sup> متأثر شده حوصله و همت خودشان را از دست ندادند بلکه در این دوره شعر فارسی به سنگرها رفت و برخی از شاعران بوی باروت و درد ناشی از بمبارانها واقعیت جنگ را در عمل آزمودند، و مضمونها و تصویرهای بکری از واقعیتهای خشن زندگی به آنها الهام گردید<sup>۳</sup>. این الهام تا امروز باقی است و هر حادثه و آفتی چه سیاسی باشد چه قدرتی شعر عصر انقلاب اسلامی تازه‌تر می‌کردند. باید تذکر داده شود که شعر انقلاب اسلامی آن شعر است که در دوران انقلاب جمهوری اسلامی ایران و بعد از آن به وجود آمده است و با چند ویژگیهای مخصوص برخوردار است.

<sup>۱</sup> - مأخذ پیشین، ص ۲۵۲-۲۵۳.

<sup>۲</sup> - مأخذ پیشین.

<sup>۳</sup> - مأخذ پیشین.

قبل از انقلاب اسلامی شاعران روشن فکر به طرز نیما شعر می گفتند و قالب شعر سنتی را دوست نمی داشتند، ولی وقتی که انقلاب شد روش نیما کم شد. دلیلش این بود که مردم فکر می کردند که روشنفکران علاقه به غرب دارند و انقلاب اسلامی را اهمیت نمی دهند. از این جهت ساخت نیمایی در شعر انقلاب یک کمی جا یافت گرچه بعداً این تصور دبرپا نماند. دومین این که مفاهیم دینی و عرفانی را در قالب سنتی گفتن آسانتر بود. سومین این که شعر نیمایی از قبیل موج نو، شعر سپید در میان مردم پسندیده تر نبود، نیز بسیار رواج نیافته بود. چهارمین و مهمترین این که دامنه شعر نیمایی برای گسترش موضوعات، مفاهیم دینی، عرفانی و اسلامی برای حماسه سرا و حرمت گذاری به زندگی روستایی و دیهاتی و پرهیز از مظاهر زندگی شهری و پرشکوه ناهی تنگ بود. لذا شاعران عصر انقلاب اسلامی تمایل شدیدتر به شعر سنتی می کردند و دو مرتبه ساخت غزل را در معنای تازه و جدید مطرح کردند. در این مورد دکتر محمد جعفر یاحقی می گوید:

«غزل انقلاب با روی کردی دوباره به عرفان در معنای نوین دوم دستی آن و بهره گیری از زبانی پرنصویر و آماده برای ترکیب سازیهای بی سابقه، برخی را بر آن داشته که به جناحی از آن عنوان «غزل نو» بدهند و جناحی دیگر را به «نهضت ترکیب سازی» منسوب دارند. چنانکه جلوه های دیگری از غزل انقلاب را می توان عنوان «غزل حماسی» داد<sup>۱</sup>. و

۱- مأخذ پیشین، ص ۲۵۵.

ذیل را نام می‌برد: محمد علی بهمنی، حسین منزوی، منوچهر نیستانی، سیمین بهبهانی، قیصر امین‌پور، حسین اسرافیلی، علی رضا قزده، نصرالله مردانی، میر هاشم میری و گروه دیگر در جناح «ترکیب‌سازی» جای می‌گیرند.

علت روی آوردن شعرای انقلاب به غزل این است که به جهت کوتاهی، زیبایی، ظرافت و لطافت و عاشقانه بودن از جاذبه‌های این شعر است. فضای معنوی انقلاب جاذبه‌های غزل را بیشتر به خود جلب کرده است.

حسین اسرافیلی یک شاعر مشهور و معروف عصر حاضر، این طور اظهار نظر می‌کند: «شعرهای خوب فقط به غزل منتهی نمی‌شود بلکه مثنوی و قصیده هم دارد، چون این زمان، زمان سرعت است لذا در چنین عصری شنیدن قصیده‌ها و مثنویهای طولانی مشکل است. یکی از بزرگترین تیوریهای سبک نو فرم است. وقتی که این ویژگی را بر قالب سنتی غزل سوار کنیم شیوه تازه‌ای به نام «غزل نو» به وجود می‌آید. هم در صورت و هم در محتوا مجموعه واژگان یک عنصر هم آهنگ را بدمت می‌دهد. به نوآراییان امروز غزلی را مطلوب است که هم آهنگی داشته باشد و هر بیتی آهنگی جدا نزنند. بیت شاعران انقلاب تحسین برانگیز است ولی به طور عمودی و کلی بر ذهن تأثیر می‌گذارد. نیز اضافه

می‌کند که شعر انقلاب یک پدیده اجتماعی است و نمی‌تواند از جریان‌ات روز جدا باشد.<sup>۱</sup>

از دورا مشروطه دایم این تحول در شعر فارسی دیده می‌شود. آثار متقدمان پیش از انقلاب نیز همین نظر را داشتند که شعر باید در خدمت مردم باشد. شیوه شعر غربی به شعر فارسی بعد از مشروطه راه پیدا کرد. تقلید از شعر غربی از شعری بود که زبان خارجی می‌دانستند. بعداً از دوره رضا ناه، شعرا مارکسست شدند، و با کودتای شاه مردم نتوانستند حرف خود را بگویند، از این نظر شعر، دوره پیچیده‌گویی را طی می‌کند. بعد از انقلاب شعر با رنگ و اندیشه اجتماعی اسلامی می‌شود. بسیاری از شعرای نوپردازی پیدا شدند که شعر بی‌ربط زیاد گفتند. و عده زیادی به قالب غزل روی آوردند. این طور در غزل مفاهیم اجتماعی وارد شد. دور انقلاب اسلامی دوره سازندگی است. یک شاعر انقلابی نمی‌تواند جریان اجتماعی را نادیده بگیرد. لذا غزل امروز مثل غزل گذشته نیست بلکه یک کلیت در معنی دارد.

می‌نوان گفت که در شعر انقلاب اسلامی در غزل شعرا سبک فردوسی، مولوی، صائب تبریزی، حافظ و عراقی را پیروی می‌کنند. در حالی که در قصاید ناصر خسرو و انوری را تقلید می‌کنند. دکتر محمد جعفر یاقق درباره قصاید انقلاب اسلامی اظهار نظر می‌کند: "قصاید

<sup>۱</sup> - در روز جمعه ۷۵/۱/۱۴ یک جله به عنوان «شب شعر انقلاب اسلامی» در تالار شهدی مطهری در تهران برگزار شده بود. در این مجلس این شاعر بزرگ ارائه خود را مطرح کرد. راقم این سطور در این مجلس شرکت داشت.

اوستا، موسوی گرماردی، شاهرخی، حمید سبزواری، مشفق کاشانی از نظر زبان و واژگان تا حدود زیادی به سبک خراسانی قدیم نزدیک می‌شود. افراط در باستانگرایی و علاقه بیشتر به استفاده از واژه‌های کهن در شعر محمد علی معلّم، بویژه در مثنویهای او دیده می‌شود. معلّم به استفاده از وزنهای بلند و غیر معمولی نیز شهرت یافته است. در قصاید انقلاب تشبیب (مقدمه‌های در وصف عشق و جوان) و بهاریه نیست. تشبیهای شعر انقلاب خود در صورت غزل و با تنوع آشکاری در مضامین به صورت مستقل عرضه شده است.<sup>۱</sup>

خصایص دیگر و مهمتر از شعر انقلاب اسلامی این است که چون شعر از مفاهیم دینی و تبلیغاتی و اسلامی پُر است، لذا از نظر معنی و مفهوم دامنه وسیع دارد. یک شاعر انقلابی از وقایع تاریخی، داستانهای قهرمانان اسلام و از حکایات قرآن و مفاهیم احادیث استفاده کرده شعر خود را اسلامی عرفانی می‌سازد و توجه خوانندگان را به طرف خود جلب می‌کند و تأثیر ندید که مملو از شجاعت و دلیری، دینی و عرفانی، وطن دوستی و میهن پرستی باشد بر قلوب آنها می‌گذارد. باید گفت که غزل امروز غزل حماسی است. یک شاعر انقلابی نه تنها خود از تمثیل و نمادگرایی دور است بلکه ذهن خواننده خود را دور می‌دارد. بعضی‌ها مانند نصرالله مردانی و احمد عزیز ی ترکیبهای بدیع بی سابقه را در شعر خود می‌آورند، این جا چند شعر برای نمونه نقل می‌شود:

دیشب به یاد آن شب زیبا گریستم      هر شاخه‌های یاد تو تنها گریستم

<sup>۱</sup> - دکتر محمد جعفر یاحقی، ص ۲۵۶.



آن شب که رام ما شده بود آسمان و خاک  
 شد نام ما ترانه زیبایی مویها  
 آن شب که باد قصه ما را به دشت برد  
 آن شب ستاره ها همه ما را شناختند  
 با مرغ شب ز فتنه شبهای بی کسی  
 بر گردن فراق تو آویختم دو دست  
 گفتم به باد و چاره کنم غصه ملام  
 برگ و بری نچید دلم از درخت صیر  
 عمرم چو آب رفت و غمت کوهوار ماند  
 وز شوق سر به درش ثریا گریستم  
 با یاد آن ترانه پری سا گریستم  
 دیشب بر این فسانه چو لایلا گریستم  
 دیشب برای غربت فردا گریستم  
 دیشب به حجم سینه شبها گریستم  
 گاهی نهان و گاه هویدا گریستم  
 دیدم چو در پیاله رخت را گریستم  
 بر این دل غریب و شکیا گریستم  
 بر عمر رفته و غم ما ناگریستم  
 (خانم و سمنی)

شعر خانم و سمنی بهترین نمونه هم از غزل و هم شعر در قالب ستنی  
 است. نمونه دیگر:

### خط خون

درختان را دوست می دارم

که به احترام تو قیام کرده اند

و آب را

که فهم مادر توست

خون تو شرف را سرنگون کرده است

شفق، آئینه وار نجابت

و خلق محرابی

که تو در آن

نماز صبح شهادت گزارده‌ای  
 در فکر آن گودالم  
 که خون تو را مکیده است  
 هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم  
 در حضیض هم می‌توان عزیز بود  
 از گودال بی‌پرس  
 شمشیری که بر گلوی تو آمد  
 هر چیز و همه چیز را در کائنات  
 به دو پاره کرد

هر چه در سوی تو حسینی شد  
 و دیگر سو یزیدی  
 اینک ماییم و سنگها  
 ماییم و آنها

درختان، کوهساران، جویباران، پیشه‌زاران  
 که برخی یزیدی

و گرنه حسینی‌اند، گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خونی که از گلوی تو تراوید  
 همه چیز و هر چیز را در کائنات

دو پاره کرد  
 در رنگا

اینک هر چیز بسا سرخ است!

یا حسینی نیست!

آه ای مرگ تو معیار

رگت چنان زندگی را به سخره گرفت

و آن را بی قدر کرد

که مردنی چنان

غبطه بزرگ زندگانی شد

خونت

با خونهایت حقیقت

در یک طراز ایستاد

و عزمت، ضامن درام جهان شد

که جهان با دروغ می پاشد

و خون تو امضای راستی است<sup>۱</sup>

(علی موسوی گرمارودی)

نامناسب نباشد اگر این جا نظریات شه دیگر ایرانی بزرگ را که در روز جمعه ۷۵/۴/۱۴ در شب شعر انقلاب اسلامی که در تالار مطهری مشهدی در تهران برگزار شده بود، اظهار نمودند، نقل می‌نمایم.

آقای سبزواری گفت: "قبل از انقلاب شعرای ایران برای بیداری مردم کار می‌کردند. خانم کاشانی، شاهرخی و دیگران آغازگر شعر انقلابی

<sup>۱</sup> - مأخذ پیشین، ص ۲۶۲-۲۶۴.

هستند. شعر انقلاب شعر سنتی است و با دیدگاه نوین انجام شد. بیما گفته بود که شیوه سنتی هرگز زنده نمی‌شود ولی شاعران این دهه به وزن عروض این قالب را زنده کردند. علت روی آوردن به غزل این است که غزل بیشتر جاذبیت دارد و طرف دیگر به طور کلی ایرانیها نظم در کلام و گرایش به سنتی که آهنگ داشته باشد بسیار علاقه دارند، و این میراثی است که از سالیان دراز دست به دست گشته. بیشتر شاعران با اوزان غزل و قصیده و رباعی الفت خاصی دارند. وزن قسمتی از زیبایی کلامست و مثالی دارد که قلمزن اصفهانی در کار خود قرینه و نظم را به خوبی رعایت می‌کند و اگر انسان خود به دو نیم شود مثل دو مصرعه است“.

دکتر غلامحسین زاده اظهار نظر کرد: ”رسالت شاعر هیچ وقت پایان نمی‌یابد. شاعر همیشه مسئولیت دارد و آنچه با فطرت انسان نزدیکتر و سازگارتر است، باقی می‌ماند. تعداد کمی از شعرهای نو است که از شعرهای کلاسیک بهتر است، گاهی توانایی آن قدر نیست که منظور خود به شعر سنتی برسانیم. آن وقت به شعر نو رو بیاوریم. منتقدان به سبک هندی توجه کرده‌اند. مرحوم سهراب سپهری تفکر خاصی دارد. فلسفه و شعر را در قالب نو به سبک هندی روی آورده. اگر کسی شعر انقلاب را فقط شعر اسلامی می‌گوید او از مسئولیت فرار می‌کند. در اصل شعر انقلاب شعر یک پدیده است و آنهم یک پدیده اجتماعی، فردی نمی‌تواند از جریانات روز جدا باشد. از دوره مشروطه دابسم این تحول در شعر فارسی دیده می‌شود. شعرای منتقدان پیش از انقلاب نیز همین نظر را داشتند که شعر باید در خدمت مردم باشد. شیوه شعر غربی بعد از راه پیدا

کرد، و تقلید از شعر غربی از آن شعرا بود که زبان خارجی می‌دلستند. در دوره رضا شاه شعر دوره پیچیده‌گویی را طی می‌کرد، ولی شعر بعد از انقلاب شعر اجتماعی با رنگ و اندیشه و عده زیادی به دلایلی به قالب غزل روی آوردند. این طور در غزل مفاهیم اجتماعی وارد شد. حماسه و عرفان در شعر شاعر انقلاب پیوند خوبی دارد، چون رزمنده هم می‌جنگد و هم عارف است و با خدا پیوند دارد نوادر دوره سازندگی بعد از جنگ شاعر نمی‌تواند جریان اجتماع را نادیده بگیرد. غزل امروز مثل غزل گذشته نیست، بلکه یک کلیت در معنی دارد.

خانم و سمسق اظهار رای کرد: "وقتی به شعر اسلامی می‌گوییم به این معنی نیست که موضوع را محدود کنیم. اسلام یک اعتقاد است که نگریش انسان را جهت می‌دهد. نگریش انسان نسبت به جهان مشخص می‌کند. یک شاعر مسلمان با آرمان خواهی شعر می‌گوید و حرکت می‌کند، ما را باید که به نگریش وسیع که به انسان می‌بخشد توجه کنیم و برای شعر انقلاب می‌توانیم محدودیت را قایل شویم، ولی شعر اسلامی گسترش و توسعه دارد."

دکتر کاکانی گفت: "انقلاب اسلامی انقلاب مردم است که دلالت می‌کند به دوره خاص که آن دوره تمام شد. امروز شعر معاصر ایران نام شعر این دوره است کسانی که شعرهای عرفانی را به چشم شعر عاشقانه نگاه می‌کردند تغییر عقیده دارند و دیدند که کسی با آن خصوصیات معنوی بزرگ می‌شناسد، این سخن را می‌گوید به آنها روشن شد و خود به این سبک روی آوردند"

من سخنان خودم را با این شعر انقلاب اسلامی به پایان می‌رسانم:  
 دل به داغ کسی دچار شد، نیامدی چشم ماه و آفتاب تار شد، نیامدی  
 سنگهای سرزمین من در انتظار تو بر سُم اسبها غبار شد، نیامدی  
 ای بلندتر ز کاش و دورتر ز کاشکی روزهای رفته بی‌شمار شد، نیامدی

\*\*\*



شکوه راه علم انسانی در نظام است فرنگی  
 در حال جامع علوم انسانی